یادداشت

اما و اگرهای «کالابرگ»

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

سیاست تخصیص ارز ترجیحی برای واردات کالاهای اساسی به منظور ایجاد نرخ ثابت در برابر نوسانات شدید بازار آزاد طراحی شده است و ماهیت آن ایجاب می‌کند در مدت‌زمان معینی تثبیت شود. پس از چهار سال تثبیت نرخ ۴هزارو ۲۰۰تومانی برای کالاهای اساسی، نرخ جدید ترجیحی به ۲۸هزارو ۵۰۰تومان تغییر یافت. اکنون در آستانه چهارمین سال اجرای این نرخ، منتقدان و موافقان هر کدام استدلال‌هایی برای حذف یا بقای آن دارند.

از طرفی، حذف ارز ترجیحی بدون جایگزین مناسب، زندگی مردم را از همین وضعیتی که است، سخت‌تر می‌کند. کالاهای اساسی بخش عمده‌ای از هزینه خانوارهای کم‌درآمد را تشکیل می‌دهند و هرگونه افزایش ناگهانی قیمت، فشار مضاعفی وارد می‌آورد. از سوی دیگر، با آنکه مبالغ هنگفتی برای واردات این کالاها با ارز ترجیحی پرداخت می‌شود، قیمت نهایی به مردم اغلب گران‌تر از حتی نرخ‌های جهانی تحمیل می‌شود! این تناقض نشان می‌دهد منابع عمومی به درستی به مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد و بخش عمده آن در زنجیره توزیع از بین می‌رود.

در صورت تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی، جایگزین کردن یک سبد کالایی وزن‌دار از تمامی کالاهایی که نرخ ارز ترجیحی دریافت می‌کنند و همچنین اجرای کالابرگ برای تمام دهک‌های جامعه، راهکار، حمایت واقعی از سفره مردم بدون اعطای رانت ارز ترجیحی به وارد‌کننده به نظر می‌رسد، چه آنکه این روش یارانه را مستقیماً به دست مصرف‌کننده می‌رساند و از انحراف منابع جلوگیری می‌کند. کالابرگ الکترونیکی اعتبار مشخصی برای خرید کالاهای ضروری فراهم می‌آورد و نظام توزیع را شفاف‌تر می‌سازد، البته باید توجه داشت که کالابرگ فعلی اعطاشده به دهک‌های پایین صرفاً برای حذف ارز ترجیحی ۴هزارو ۲۰۰تومانی بوده است و برای حذف ارز ترجیحی ۲۸هزارو ۵۰۰تومانی، باید وزن سبد کالایی اعطاشده به مردم در کالابرگ افزایش یابد. این افزایش وزن ضروری است تا جبران کامل حذف رانت صورت گیرد و قدرت خرید مردم حفظ شود. هر ساله نیز اعتبار کالابرگ با افزایش نرخ تسعیر ارز در بودجه و همچنین نرخ ارز بازار آزاد به‌روز شود، وگرنه به سرنوشت یارانه نقدی ۴۵هزار تومانی دچار خواهد شد که اکنون ارزش ناچیزی دارد.

به این ترتیب با اعطای یارانه ارز ترجیحی به انتهای زنجیره در قالب سبد کالایی مشخصی مبتنی بر طرح کالابرگ الکترونیک، اعتبار خرید کالاهای مشخصی به هر کد ملی اعطا خواهد شد و دیگر نرخ ارز ترجیحی و مصائب آن برای تولیدکننده و کشور را نخواهیم داشت و در عوض حمایت واقعی از سفره و معیشت مردم برای همیشه فراهم خواهد شد. این رویکرد می‌تواند تولید داخلی را از رقابت ناعادلانه با کالاهای وارداتی یارانه‌دار رها سازد.

اما اجرای موفق کالابرگ به عوامل متعددی بستگی دارد. ابتدا باید سبد کالایی به دقت طراحی شود. این سبد باید شامل اقلام ضروری مانند نان، برنج، روغن، لبنیات، گوشت و مرغ باشد و وزن هر کدام بر اساس نیازهای تغذیه‌ای متوسط خانوار تعیین شود و تنوع کالاها باید به گونه‌ای باشد که نیازهای غذایی پایه را پوشش دهد و از تمرکز بر یک یا دو قلم جلوگیری کند، همچنین کالاها باید از کیفیت استاندارد برخوردار باشند تا هدف حمایت از سلامت مردم نیز محقق شود.

مسئله پوشش دهک‌ها نیز اهمیت دارد. شناسایی دقیق دهک‌های پایین با چالش‌هایی همراه است و خطاهای آماری می‌تواند به محرومیت برخی نیازمندان منجر شود. اعطای کالابرگ به تمام دهک‌ها به صورت برابر، این مشکلات را کاهش و عدالت توزیع را افزایش می‌دهد. در این صورت، دهک‌های بالاتر که ممکن است کمتر نیاز داشته باشند، از اعتبار کمتری نسبت به ارزش رانت قبلی بهره می‌برند، اما سیستم ساده‌تر و قابل اجراتر خواهد بود.

زیرساخت‌های فنی نقش کلیدی در موفقیت طرح دارند. سکوی الکترونیکی باید قادر به مدیریت میلیون‌ها تراکنش روزانه باشد و از امنیت بالایی برخوردار شود. اتصال به سامانه‌های بانکی و فروشگاه‌ها باید بدون وقفه انجام شود تا مردم هنگام خرید با مشکل مواجه نشوند. نرم‌افزارها یا کارت‌های هوشمند باید کاربرپسند و برای افراد مسن یا کم‌سواد نیز قابل استفاده باشند.

نظارت بر زنجیره توزیع از دیگر الزامات است. فروشگاه‌های پذیرنده باید معتبر و پراکنده در سراسر کشور باشند تا دسترسی مردم به ویژه در مناطق روستایی و محروم فراهم شود. جلوگیری از احتکار، فروش اعتبار کالابرگ یا سوءاستفاده از آن نیازمند سازوکارهای نظارتی قوی است، بنابراین باید نهادهای نظارتی به طور مستمر موجودی کالاها و قیمت‌ها را کنترل کنند. بدیهی است کوتاهی در این حوزه، شرایط فعلی را رقم می‌زند که حتماً نهادهای نظارتی متهم اصلی آن هستند.

زمانبندی اجرا نیز بحث‌برانگیز است. مجلس خواستار شروع در آبان ماه است تا طرح به سرعت جایگزین ارز ترجیحی شود و فشار بر مردم کاهش یابد، اما دولت بر پرداخت بموقع تا پایان سال تأکید دارد که ممکن است به معنای تأخیر در عملیاتی شدن کامل باشد. این تفاوت می‌تواند ناشی از آماده نبودن زیرساخت‌ها یا نیاز به هماهنگی بودجه‌ای باشد. هرچه تأخیر بیشتر شود، رانت ارز ترجیحی طولانی‌تر ادامه می‌یابد و منابع بیشتری هدر می‌رود.

بودجه مورد نیاز برای افزایش وزن سبد کالایی باید از محل صرفه‌جویی حذف رانت تأمین شود. حذف ارز ۲۸هزارو ۵۰۰تومانی برای کالاهای اساسی می‌تواند صرفه‌جویی ایجاد کند که بخش عمده آن باید به کالابرگ اختصاص یابد. این انتقال منابع از وارد‌کننده به مصرف‌کننده، عدالت اقتصادی را تقویت می‌کند، اما تخصیص بودجه نیازمند تصویب مجلس و تعهد دولت است.

تأثیر بر تولید داخلی نیز نباید نادیده گرفته شود. با حذف ارز ترجیحی، کالاهای وارداتی گران‌تر می‌شوند و تولیدکنندگان داخلی فرصت رقابت پیدا می‌کنند. دولت می‌تواند بخشی از منابع صرفه‌جویی‌شده را به حمایت از تولید مانند تسهیلات کم‌بهره یا خرید تضمینی اختصاص دهد. این رویکرد زنجیره تأمین داخلی را تقویت می‌کند و وابستگی به واردات را کاهش می‌دهد.

چالش‌های اجتماعی نیز وجود دارد. برخی خانوارها ممکن است اعتبار کالابرگ را به کالاهای غیرضروری تبدیل کنند یا آن را بفروشند. برای جلوگیری از این مسئله، اعتبار باید تنها برای کالاهای مشخص سبد قابل استفاده باشد و غیرقابل انتقال شود، همچنین در مناطق دورافتاده که دسترسی به فروشگاه‌های مجهز محدود است، باید مراکز توزیع محلی ایجاد شود. تجربه کالابرگ قبلی برای دهک‌های پایین می‌تواند راهنما باشد. این طرح تا حدی موفق بود، اما پوشش محدود و اعتبار ناکافی داشت. برای نرخ ۲۸هزارو ۵۰۰تومانی، اعتبار باید چندین برابر شود تا جبران واقعی صورت گیرد. به‌روزرسانی سالانه اعتبار بر اساس تورم و نرخ ارز، ارزش واقعی آن را حفظ و از کاهش قدرت خرید جلوگیری می‌کند. اختلاف در زمانبندی نباید به تعویق اجرای کلی منجر شود. جلسات مشترک و برنامه زمانبندی دقیق می‌تواند ابهام را برطرف کند. معاون امور اجرایی رئیس‌جمهور تعهد به پرداخت تا پایان سال داده اما عملیاتی شدن در آبان ماه هدف مجلس عنوان شده است!

جان کلام آنکه کالابرگ راهکاری پایدار برای حمایت از معیشت است اما موفقیت آن به طراحی دقیق سبد، پوشش فراگیر، زیرساخت قوی، نظارت مستمر و هماهنگی زمانی بستگی دارد. توجه به این موارد می‌تواند اماواگرها را کاهش دهد.

گزارش یک

بهناز قاسمی

چه دستگاه اجرایی بر قیمت تولید و مصرف‌کننده نظارت دارد؟

شگرد گران‌سازی تولیدکننده به درخواست شبکه توزیع!

مافیای شبکه توزیع قیمت تولید و مصرف‌کننده را به دست گرفته است و در صورت تخطی تولیدکننده از طریق سیستم توزیع کنار گذاشته می‌شود

دی ماه سال ۱۴۰۰ بود که تولیدکنندگان موظف به درج قیمت تولیدکننده روی کالاها شدند. در آن زمان هدف، مقابله با گران‌فروشی تولیدکنندگان بود، اما اکنون قیمت‌های مصرف‌کننده روزانه و هفتگی روند صعودی دارد و مافیای شبکه توزیع است که نرخ‌ها را تعیین می‌کند، نه قیمت تمام‌شده کالاها. افکار عمومی با طرح این پرسش که کدام دستگاه نظارتی بر قیمت‌های تولید و مصرف‌کننده نظارت دارد، خواستار شفاف‌سازی شبکه توزیع و حذف واسطه‌ها و دلالان هستند.

دانیال شایگان | اکو

این روزها گرانی قیمت مرغ، گوشت، برنج و سایر اقلام مصرفی مردم در تیتر اخبار و همواره دولت به عنوان متولی تولید و توزیع مورد سرزنش قرار گرفته است، اما در تمام این گزارش‌ها، نقش مافیای شبکه توزیع و تأثیر آن بر بازار چندان مورد توجه نبوده است، در حالی که همین شبکه فاسد توزیع دلیل ۹۰درصد نابسامانی‌های بازار و تضییع حقوق مصرف‌کنندگان است. اخیراً شبکه‌های مجازی پر از ویدئوها و تصاویری است که فعالان بازار از نرخ‌های صوری درج‌شده روی کالاها، به ویژه مواد غذایی و مصرفی گزارش می‌دهند.

نرخ‌هایی که به عنوان تولید و مصرف‌کننده روی اقلام ثبت می‌شود به هیچ وجه با واقعیت‌ها و قیمت‌های تمام‌شده تولید همخوانی ندارد.

به عنوان مثال قیمتی که روی یک کیک ساده به عنوان قیمت مصرف‌کننده درج شده، مبلغ ۳۵هزار تومان است، اما واسطه‌ها همین کیک را با قیمت ۱۶هزار تومان از تولیدکننده خریداری و بین خودشان دست به دست می‌کنند و سود هنگفتی به جیب می‌زنند یا در نمونه دیگری سفره یک بار مصرف معمولی که نرخ مصرف‌کننده آن ۸۰هزار تومان درج شده، با قیمت ۲۸ تا ۳۰هزار تومان به دست دلال و واسطه‌ها می‌رسد.

تفاوت قیمتی که بین نرخ مصرف‌کننده کالا تا قیمت اصلی آن وجود دارد، مستقیم به جیب دلال و واسطه‌ها می‌رود؛ شبکه‌ای که سال‌هاست در سایه ضعف مدیریت دستگاه‌های نظارتی (دولت)، مانند غده سرطانی بزرگ و بزرگ‌تر شده و اکنون به جایی رسیده است که در صورت تخطی، تولیدکنندگان به راحتی کنار گذاشته می‌شوند.

واضح است که نرخ‌های تولید و مصرفی که روی اقلام درج می‌شود کاملاً صوری است و سال‌هاست این نرخ‌ها به معنای عدم گران‌فروشی نیست.

هدف از درج نرخ تولید و مصرف چیست؟

دی ماه سال ۱۴۰۰، دوره نخست دولت شهید رئیسی، وزارت صمت تصمیم گرفت برای مقابله با گران‌فروشی تولیدکنندگان، درج قیمت مصرف‌کننده را الزامی کند.

> **تفاوت قیمتی که بین نرخ مصرف‌کننده کالا تا قیمت اصلی آن وجود دارد، مستقیم به جیب دلال و واسطه‌ها می‌رود؛ شبکه‌ای که سال‌هاست در سایه ضعف مدیریت دستگاه‌های نظارتی (دولت)، مانند غده سرطانی بزرگ و بزرگ‌تر شده و اکنون به جایی رسیده است که در صورت تخطی، تولیدکنندگان به راحتی کنار گذاشته می‌شوند**

در آن زمان تخفیفات اغواکننده فروشگاه‌های زنجیره‌ای و غیرواقعی بودن نرخ مصرف‌کننده موجب گلایه مردم و مصرف‌کنندگان شده بود.

در برخی محصولات، قیمت مصرف‌کننده درج شده روی کالا ۳۰ تا ۴۰درصد بیش از قیمت تولیدکننده بود و به عبارتی در نظام توزیع قیمت‌ها غیرمعمول افزایش می‌یافت، از این رو برای رفع این مسئله دولت تصمیم گرفت، قیمت تولید و مصرف‌کننده روی کالاها درج شود تا مصرف‌کنندگان با افزودن ۲۰ تا ۲۱درصد به قیمت تولیدکننده، نرخ مصرف‌کننده را راستی‌آزمایی کنند و گول تخفیفات غیرعادی را نخورند. هدف وزارت صمت در دولت مردمی این بود که با اطلاع‌رسانی به مردم به تدریج دست دلالان و واسطه‌ها از بازار اقلام مصرفی مردم کوتاه شود.

اما این روش، همان یک سال اول اجرا موفق بود، زیرا به تدریج به دلیل عدم‌نظارت بر شبکه توزیع، این شبکه بار دیگر قدرت گرفت. اکنون مافیای توزیع با قلدری و قدرت بالایی که در بازار دارند، نرخ تولید و مصرف‌کننده را تعیین می‌کنند، بدون اینکه از سوی نهادهای نظارتی رصد شوند.

تولیدکنندگان برای اینکه کالای تولیدی‌شان به خوبی توزیع و برجسته شود و به اصطلاح از سوی توزیع‌کنندگان کنار گذاشته نشود، باید نرخ‌های اعلامی توزیع‌کنندگان را روی کالای‌شان درج کنند. اگر در گذشته تخلف این شبکه، اجبار به خرید کالایی غیر از کالای مورد نظر خرده‌فروش بود، مثلاً خرید تن‌ماهی در کنار روغن مایع، حالا همین شبکه سودجو و متخلف بر نرخ‌های تولید و مصرف‌کننده‌ای که روی کالاها درج می‌شود، اعمال نظر دارند.

در این میان مصرف‌کنندگان بی‌خبر از همه جا، متضرر می‌شوند و کالا را ۲۰۰ تا ۳۰۰برابر نرخ واقعی‌اش خریداری می‌کنند و دل‌شان به نرخ مصرف‌کننده درج‌شده روی کالا، خوش است، هرچند به دلیل افزایش روزانه و هفتگی قیمت‌ها، محاسبه درصد سود تولیدکننده (درج شده روی کالاها) از حوصله مصرف‌کنندگان خارج است و کمتر کسی به این نرخ‌ها توجه و دقت دارد.

با توجه به تورم قیمت مصرف‌کننده کالاهای مصرفی مردم، ضروری است شبکه توزیع از سوی دولت مدیریت شود و مافیایی که نبض بازار را به دست گرفته‌اند از میان برداشته شوند. افکار عمومی با طرح این سؤال که کدام دستگاه نظارتی بر نرخ تولید و مصرف‌کننده کالاها نظارت دارند، خواستار حذف واسطه‌ها هستند.

> **در شرایطی که شبکه توزیع نبض بازار را به دست گرفته است و با خرید ارزان کالا از تولیدکننده، آن را چندین دست در شبکه خودش خرید و فروش می‌کند، برخی به جای شفافیت، به دنبال حذف نرخ تولیدکننده از روی کالاها هستند**

انتقاد از درج قیمت تولیدکننده

در شرایطی که شبکه توزیع نبض بازار را به دست گرفته است و با خرید ارزان کالا از تولیدکننده، آن را چندین دست در شبکه خودش خرید و فروش می‌کند، برخی به جای شفافیت، به دنبال حذف نرخ تولیدکننده از روی کالاها هستند.

اکنون که تولیدکنندگان موظف به درج قیمت تولید و مصرف‌کننده هستند، قیمت‌ها صوری ثبت می‌شود، چه رسد به اینکه کاملاً نرخ تولیدکننده از روی کالا حذف شود.

رئیس کمیسیون صنایع غذایی اتاق بازرگانی ایران با انتقاد از الزام درج همزمان قیمت تولیدکننده و مصرف‌کننده روی بسته‌بندی کالاها می‌گوید: وجود دو قیمت روی یک محصول هیچ مبنای قانونی ندارد و تنها باعث ابهام و اخلال در نظام عرضه و اعتماد مصرف‌کنندگان می‌شود.

رشید عزیزپور در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به مشکلات درج همزمان قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده روی بسته‌بندی محصولات غذایی می‌افزاید: از سال‌های گذشته درخواست ما حذف الزام درج قیمت مصرف‌کننده بود، اما در شرایط فعلی با توجه به مصوبه سال ۱۳۹۸ هیئت وزیران، درج قیمت مصرف‌کننده همچنان الزامی است و ما فعلاً مخالفتی با آن نداریم. بحث اصلی ما حذف الزام درج قیمت تولیدکننده است، چراکه این اقدام هیچ مبنای قانونی ندارد و مشکلات متعددی برای صنعت ایجاد کرده است. الزام درج قیمت تولیدکننده نه تنها تأثیری بر افزایش یا کاهش قیمت‌ها ندارد، بلکه موجب سردرگمی در زنجیره تولید، توزیع و مصرف می‌شود، در حالی که قیمت مصرف‌کننده مشخص است.

گزارش ۲

زینب زرین

صنایع به جای افزایش رانت انرژی، ذخیره‌سازی کنند

مهدی هاشم‌زاده، کارشناس ارشد انرژی در گفت‌وگو با «جوان» وضعیت ذخیره‌سازی گاز از سوی صنایع و اقتصاد سیاسی سرمایه‌گذاری‌نکردن در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز را تشریح کرد

صنایع به جای گلایه از قطعی گاز، دست در جیب خود کنند و با سرمایه‌گذاری در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز، علاوه بر پایان دادن به قطعی گاز خود، به کاهش درآمدی ۱۵میلیارد دلاری خود نیز پایان دهند.

در هفته‌های گذشته، دوباره مسئله نرخ سوخت و خوراک گازی صنایع همزمان با انتقاد صنایع از قطعی گاز از سوی دولت به سرخط خبرها تبدیل شد. در هر اقتصاد پویایی، ناترازی در عرضه و تقاضای انرژی می‌تواند به مرور زمان به چالشی ساختاری بدل شود که نه‌تنها تولید را مختل می‌کند، بلکه بر شاخص‌های کلان همچون رشد اقتصادی، اشتغال و تراز تجاری نیز اثر منفی می‌گذارد. در ایران نیز ناترازی گاز به یکی از مسائل مزمن و پرهزینه تبدیل شده است.

برآوردها نشان می‌دهد کشورمان سالانه با عدم‌النفع حدود ۱۵میلیارد دلاری ناشی از ناترازی گاز مواجه است؛ عددی که به‌تنهایی می‌تواند موتور توسعه زیرساختی و صنعتی کشور را به حرکت درآورد، اگر سیاستگذاری در مسیر درست قرار گیرد.

نکته قابل تأمل آن است که اصلاح این ناترازی، هزینه‌ای به مراتب کمتر از این عدم‌النفع دارد، یعنی اگر بخشی از همین زیان سالانه صرف سرمایه‌گذاری برای توسعه ذخیره‌سازی گاز و افزایش بهره‌وری مصرف شود، می‌توان از تکرار بحران‌های سالانه در فصول سرد جلوگیری کرد، با این حال اقتصاد سیاسی انرژی در ایران به گونه‌ای رقم خورده که مسئله ناترازی، نه صرفاً یک موضوع اقتصادی بلکه به یک ابزار چانه‌زنی و فشار میان صنایع و دولت تبدیل شده است.

اگر صنایع بزرگ کشور همچنان بخواهند از ابزار بحران برای چانه‌زنی و دریافت امتیاز استفاده کنند، این چرخه معیوب هر سال تکرار خواهد شد و هزینه آن را کل اقتصاد کشور خواهد پرداخت اما اگر همان صنایع با درک منطق اقتصادی و ملی به سمت سرمایه‌گذاری در زیرساخت ذخیره‌سازی گاز بروند، نه‌تنها امنیت انرژی خود را تضمین می‌کنند بلکه به رشد پایدار اقتصاد ملی نیز کمک خواهند کرد.

واقعیت آن است که پنج سنت هزینه ذخیره‌سازی در برابر میلیاردها دلار زیان ناترازی، رقمی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. اکنون زمان تصمیمی راهبردی و شجاعانه است؛ پایان‌دادن به بازی تکراری ناترازی و آغاز دوره‌ای جدید از سرمایه‌گذاری عقلایی برای پایداری انرژی کشور.

اگر صنایع دست در جیب خود و به جای شکایت از قطع گاز، اقدام به ساخت مخازن ذخیره‌سازی کنند، ایران می‌تواند برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر از دام ناترازی انرژی رها شود و با ثبات در تأمین گاز، مسیر توسعه صنعتی خود را بدون وقفه ادامه دهد.

دولت به جای تعمیق رانت انرژی صنایع، آنها را ملزم به سرمایه‌گذاری در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی کند

هاشم‌زاده در ابتدای حرف‌های خود با اشاره به رفتار متناقض صنایع بزرگ و عمده در کشور خاطرنشان کرد: رفتار صنایع بزرگ به‌ویژه در حوزه پتروشیمی، فولاد، سیمان و نیروگاهی، نمونه‌ای بارز از ترجیح منافع کوتاه‌مدت بر منافع بلندمدت ملی است.

> **هزینه ذخیره‌سازی هر مترمکعب گاز حدود پنج سنت است؛ رقمی ناچیز در مقایسه با قیمت خوراک صنایع و میزان زیان ناشی از توقف تولید که به راحتی از سوی صنایع قابل تأمین است. با یک محاسبه ساده، اگر صنایع بخشی از درآمد سالانه خود را صرف ایجاد این زیرساخت کنند، نه‌تنها ریسک قطع گاز را از میان برمی‌دارند بلکه به پایداری تولید و ثبات اقتصادی کشور کمک می‌کنند**

هر سال با نزدیک‌شدن به فصل زمستان، صنایع از احتمال قطع گاز یا افت فشار شکایت می‌کنند و این مسئله به‌صورت موج رسانه‌ای و سیاسی به افکار عمومی منتقل می‌شود و در اینجا خود را به عنوان قربانی نشان می‌دهند اما واقعیت آن است که این فضا به‌گونه‌ای مهندسی‌شده برای فشار بر دولت در فرایند تعیین نرخ خوراک و سوخت در قانون بودجه سالانه و تبصره هدفمندی یارانه‌هاست. همزمانی فصل سرما با فصل بودجه، فرصت مناسبی برای این صنایع ایجاد می‌کند تا با نمایش بحران ناترازی و عدم‌اقدام متقابل برای رفع ناترازی خود، امتیازاتی در نرخ خوراک یا معافیت‌های قیمتی در زمینه نرخ سوخت و خوراک گازی خود دریافت کنند. در واقع، صنایع به جای اینکه در راستای اصلاح ساختار مصرف و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های انرژی خود گام بردارند، ترجیح می‌دهند با ابزار رسانه‌ای و فشار سیاسی، به دنبال استمرار دریافت رانت انرژی باشند؛ رویکردی که در دولت چهاردهم و در چارچوب نگاه عقلایی و بهره‌وری‌محور، دیگر جایگاهی نخواهد داشت.

وی در ادامه گفت: برای رفع ناترازی و قطعی گاز صنایع راهکارهای متعدد و متنوعی وجود دارد. یکی از راهکارهای روشن و فنی برای حل این مسئله که سال‌هاست مشخص است و در اسناد بالادستی و گزارش‌های وزارت نفت نیز بارها بر آن تأکید شده است، مسئله سرمایه‌گذاری صنایع در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز است. کلید حل بحران ناترازی گاز در کشور، در توسعه مخازن ذخیره‌سازی گاز و افزایش بهره‌وری مصرف نهفته است. تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که با اقلیم مشابه ایران مواجهند، سال‌ها پیش با سرمایه‌گذاری صنایع خود در ذخیره‌سازی فصلی گاز، توانسته‌اند مصرف زمستانی بخش صنعتی را بدون فشار بر شبکه تأمین کنند.

در ایران نیز ظرفیت ذخیره‌سازی در میدان‌های تخلیه‌شده یا سفره‌های زیرزمینی گازی وجود دارد و تنها نیازمند اراده و سرمایه‌گذاری صنعتی است. هزینه ذخیره‌سازی هر مترمکعب گاز حدود پنج سنت است؛ رقمی ناچیز در مقایسه با قیمت خوراک صنایع و میزان زیان ناشی از توقف تولید که به راحتی از سوی صنایع قابل تأمین است. با یک محاسبه ساده، اگر صنایع بخشی از درآمد سالانه خود را صرف ایجاد این زیرساخت کنند، نه‌تنها ریسک قطع گاز را از میان برمی‌دارند بلکه به پایداری تولید و ثبات اقتصادی کشور کمک می‌کنند.

هاشم‌زاده با انتقاد از عملکرد صنایع در برخورد با ناترازی گازی خود گفت: از سال ۱۳۹۶ تاکنون، بارها در گزارش‌های کارشناسی بر این موضوع تأکید شده است که به جای اینکه صنایع هر ساله با بحران قطع گاز و توقف تولید روبه‌رو شوند، با رویکرد عقلایی، خود وارد میدان سرمایه‌گذاری در زیرساخت ذخیره‌سازی شوند.

متأسفانه مسیری که صنایع انتخاب کرده‌اند این است که به گلایه‌گذاری از دولت و اخذ رانت بیشتر در نرخ خوراک اقدام کنند و همچنان این راه‌حل غلط برای برخی صنایع جذاب‌تر است، زیرا رانت انرژی برای آنان منبع سودی پنهان است که تمایلی به از دست دادن آن ندارند. مسیر عقلایی اما گرچه نیازمند سرمایه‌گذاری اولیه است، ولی در عوض بازدهی آن به‌مراتب پایدارتر و عقلایی‌تر خواهد بود.

با هزینه‌ای بسیار کمتر از خسارت ناشی از توقف تولید یا کاهش درآمد ۱۵میلیارد دلاری، می‌توان کشور را از وابستگی به ناترازی گاز و محدودیت‌های شبکه گازرسانی رها ساخت. این همان رویکردی است که کشورهای توسعه‌یافته انرژی همچون آلمان و کره‌جنوبی طی دو دهه گذشته در پیش گرفته‌اند و امروز نتیجه آن را در ثبات تأمین انرژی صنایع‌شان می‌بینند.

وی در ادامه افزود: اقدامات خوبی از سوی حاکمیت در راستای اصلاح مصرف در بخش‌های دیگر نیز انجام شده است و با اهمال‌کاری صنایع، امسال هم شاهد تداوم ناترازی گاز و قطعی گاز صنایع هستیم، البته اقداماتی نظیر جایگزین کردن بخاری‌های فرسوده با بخاری‌های هرمتیک یا پربازده می‌تواند هنوز بخشی از ناترازی گاز صنایع را جبران کند ولی حالا که کار از کار گذشته است و ایجاد مخازن ذخیره‌سازی در این ماه از سال و شروع آذرماه امکانپذیر نیست، حداقل برای سال آینده از همین الان برنامه‌ریزی کنند و به سمت سرمایه‌گذاری در این بخش بروند. اخذ رانت انرژی خوب است ولی ادامه‌دار نیست و دست صنایع به راحتی رو خواهد شد. وزارت نفت و سازمان برنامه و بودجه نیز به جای تعمیق رانت با حذف هاب‌های گازی اروپا از فرمول خوراک و ازدیاد رانت به صنایع، به سمت اعطای یارانه انرژی هدفمند مبتنی بر توسعه زنجیره ارزش و به شکل مشروط حرکت کنند.

حذف هاب‌های اروپایی از فرمول خوراک گاز بیش از ۲/۵میلیارد دلار در هر سال درآمد تبصره هدفمندی بودجه را کاهش خواهد داد و ضربه بدی به تأمین منابع بودجه در این بخش خواهد زد و نهایتاً به تعمیق کسری بودجه و تشدید استقراض از بانک مرکزی منجر خواهد شد و هیچ عقلانیتی در این مسیر وجود ندارد و باید اعطای یارانه انرژی به صنایع صرفاً مشروط به توسعه زنجیره ارزش شود و کاهشی در نرخ خوراک گاز صنایع نباید داشته باشیم. هاشم‌زاده در پایان گفت: صنایع به جای گلایه از قطعی گاز، دست در جیب خود کنند و با سرمایه‌گذاری در ایجاد مخازن ذخیره‌سازی گاز، علاوه بر پایان دادن به قطعی گاز خود، به کاهش درآمدی ۱۵میلیارد دلاری خود نیز پایان دهند.

> **کلید حل بحران ناترازی گاز در کشور، در توسعه مخازن ذخیره‌سازی گاز و افزایش بهره‌وری مصرف نهفته است. تجربه جهانی نشان می‌دهد کشورهایی که با اقلیم مشابه ایران مواجهند، سال‌ها پیش با سرمایه‌گذاری صنایع خود در ذخیره‌سازی فصلی گاز، توانسته‌اند مصرف زمستانی بخش صنعتی را بدون فشار بر شبکه تأمین کنند**